

رهیافت میان‌رشته‌ای در آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی

حسین حشمتی مولایی^۱

عضو هیأت علمی مؤسسه عالی بانکداری ایران

چکیده

این مقاله بر اساس روش‌های مؤثر آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی مبتنی بر نظام میان‌رشته‌ای^۲ بحث می‌نماید. در این مقاله ابتدا ضرورت و اهمیت این روش را در اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار داده و سپس روشهای غیررشته‌ای معمول را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم، به این ترتیب، براساس یک پژوهش میدانی که بر اساس نظرات اساتید اقتصاد اسلامی جمع‌آوری شده است و نظرات و علایق مختلف مربوط به موضوع اقتصاد اسلامی در آن متمرکز شده است، نتایج مورد مقایسه، بهره‌برداری و استفاده قرار خواهد گرفت. بنابراین با توجه به پیشنهادها و ارتباطات مختلف کاربردی اقتصاد اسلامی در جنبه‌های مختلف براساس رهیافتی میان‌رشته‌ای، می‌توان سطح آموزشی و پژوهشی اقتصاد اسلامی را هم برای دانشجوی و هم برای مدرس اقتصاد اسلامی ارتقاء بخشید. توجه به آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی به‌عنوان فرآیندی میان‌رشته‌ای، با توجه به تازگی و قدرت نوآورانه آن می‌تواند تحرکی در سایر علوم ایجاد کرده و علاوه بر نوعی الگوسازی، موتور محرکه‌ای برای رشته‌های علوم انسانی باشد. همچنین کوشش خواهیم نمود که با استفاده از تمرکز علایق گروهی با توجه به نتایجی که بر اساس احترام به همه نظرات مدرسان و محققان مربوطه صورت گرفته، موضوع را بررسی نموده و در نهایت پیشنهادهایی را ارائه کنیم.

واژه‌های کلیدی: میان‌رشته‌ای، رهیافت هنجاری، رهیافت اثباتی، چندرشته‌ای، چندرشته‌ای موازی، تمرکز علایق گروهی، کارکرد اجتماعی، اصول موضوعه

1. heshmatimail@gmail.com

2. Inter-disciplinarily

آموزش و پژوهش در علوم اقتصادی در گذشته و نیز تا حدود زیادی در حال حاضر صرفاً به انتقال مجموعه‌ای از یک دانش سازمان یافته که آثار یک نظام ارزشی حاکم بر رفتارهای مصرفی، تولیدی و توزیعی برای فرد، دولت و جامعه را بررسی می‌نماید، محدود می‌شود. این آموزه در چارچوب و برنامه‌ای برآمده از یک رهیافت رشته‌ای^۲ با ساختاری مشخص و عموماً بر اساس روش‌شناسی اثباتی^۳ و برآمده از مفاهیم، روشها و فرآیند آموزشی معمولاً ترجمه شده از متون رایج در کشورهای غربی مورد عمل قرار می‌گرفت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تحقق یک نظام سیاسی غیرسکولار دینی، این تفکر که می‌توان در شئون معرفتی و فلسفه اقتصاد نیز به یک نظام علمی مبتنی بر اصول دینی دست یافت، به شدت مورد استقبال متفکران حوزوی و دانشگاهی قرار گرفت. اگرچه این تفکر حتی قبل از انقلاب اسلامی نیز توسط بسیاری از متفکران مسلمان دنبال می‌شد ولی با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پژوهش‌هایی که در جستجوی این دکتترین خاص از علم اقتصاد بودند، چه در داخل ایران و چه در کشورهای مسلمان، شمارگان قابل ملاحظه‌ای پیدا نمود.

در ابتدا تصور می‌شد که این دانش را به راحتی می‌توان توضیح داد و به همین دلیل تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب و مقاله در رابطه با اقتصاد اسلامی منتشر شد ولی با توجه به ورود سریع و بدون برنامه، تنها برخی از این کتاب‌ها و نوشته‌ها می‌توانست ره آورد متناسب و مرتبطی از اقتصاد اسلامی داشته باشند.

بدیهی است یک علم بدون اتکا به اصولی موضوعه^۴، حتی از یک قضیه ساده نیز نمی‌تواند دفاع نماید و این مسئله اگرچه مورد توافق اکثر خبرگان علم اقتصاد قرار داشت اما این خبرگان حداقل به دلایل زیر موفق به ارائه نظرات خود در تحقق علمی اقتصاد اسلامی و ارائه آن در محافل علمی نشدند.

یک دلیل، وابستگی شدید محافل علمی به یافته‌های جهان سکولار بود و معمولاً افراد قادر به ارائه این دکتترین، بسیار محدود بودند؛ زیرا این تخصص نیاز به تسلط بر مبانی عقیدتی اسلامی،

۱. لازم است از نظرات ارائه شده در مورد متن مقدماتی این مقاله که در نهمین نشست تخصصی محققان و مدرسان اقتصاد اسلامی، به دعوت پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس مطرح گردید، به خصوص آقای دکتر عادل پیغامی و سایر محققان و اساتید محترم سپاسگزاری نمایم.

2. Disciplinary Approach
3. Positive Approach
4. Axioms



و نیز اشراف کامل به نظام اقتصاد اثباتی متداول داشت و علاوه بر آن نوعی نوآوری و خلاقیت را طلب می نمود. ولی تعداد کسانی که شرایط فوق را داشتند نه تنها اندک بلکه بسیار استثنایی بود و حتی در صورت ظهور چنین کسانی موانع بسیار پیچیده اداری و خطر اتهام به گرایش های شرقی و غربی می توانست مانع پاگیری چنین تفکری گردد. در عین حال با توجه به اینکه چنین دکترینی می توانست رقیبی جدی در برابر منافع جهان سکولار باشد، و خطری به مراتب سهمگین تر از خطر دستیابی به سلاح های نظامی را برای جهان سکولار تداعی می نمود، ساده انگاری خواهد بود اگر تصور شود که این تفکر به سادگی امکان گسترش علمی پیدا می نمود.

خوشبختانه بحران های اخیر جهان سرمایه داری، و عملکرد با ثبات نهادهای اقتصاد اسلامی حتی متفکران و مقامات بلند پایه اقتصادی غرب را به اعتراف نسبت به کارایی این دکترین اقتصادی وادار نمود¹ و بنابراین به نظر می رسد با ظهور و شیوع اینترنت، فضای حرکت برای اقتصاددانان اسلامی گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد زیرا اکثر اقتصاددانان اثباتی بنا به فطرت انسانی خود نسبت به درک حقیقت، عنادی ندارند و یک امر واقعی را بدون تسری قضاوت های ارزشی نامربوط، بهتر درک می کنند و می توان انتظار داشت که بر خلاف دولتمردانشان، دوستان خوبی برای درک و تأیید آتی دکترین اقتصاد اسلامی باشند.

امروزه فلسفه آموزش و پژوهش اقتصاد بیشتر از آنچه در گذشته مطرح بود توسعه یافته و رویکردهای جدیدی مورد استفاده قرار گرفته که در آنها عقلانیت انسانی صرفاً در نفع طلبی شخصی خلاصه نمی شود و خوشبختانه در رهیافت جدید علوم اقتصادی بنظر می رسد، انسانی موضوع بررسی است که واجد همه مختصات انسانی است.

به این ترتیب در این رهیافت، واقعیت ها و نیازهای دنیای جدید همزمان با هنجارهای فطری و جاری انسانی در فراسوی ساختار یکسویه نگر رهیافت سنتی رشته ای مورد جستجو و پژوهش قرار می گیرد و جزئی نگری به تدریج اعتبار و کارایی علمی خود را در دانشگاه های بزرگ دنیا از دست می دهد. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸). این مسئله به خصوص در رشته اقتصاد اسلامی در دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی (محمد و روزیتا، ۲۰۰۵) که بعداً در مورد آن بحث خواهیم نمود قابل تأیید است.

به طور کلی رهیافت های غیررشته ای، بر خلاف تصور اولیه برخی از صاحب نظران، مغایر با تخصصی شدن و تقسیم علوم انسانی و علوم اقتصادی نیست بلکه تخصصی شدن گرایش های علم اقتصاد، مثل تخصص اقتصاد اسلامی و سایر تخصص ها زمانی با موفقیت فضای علمی را

1. French News, (2008/07/22): French economy minister wants to promote Islamic finance to attract Gulf-based investment which is currently flowing to London.



اشغال می‌کند که یک دانشجوی یا پژوهشگر در روند تخصص‌گرایی، علاوه بر پیشنهاد علمی کافی نسبت به رشته‌های مرتبط، هدف علمی موضوع مورد بررسی را نیز به خوبی درک نموده و در فرایند تکمیلی، پتانسیل، و توشه اطلاعاتی و علمی لازم را همراه داشته باشد. این در حالی است که عناصر اصلی آموزشی، یعنی محتوی، فرآیند و ارزشیابی باید نسبت به حالت سنتی متحول شود. (حشمتی، ۱۳۵۹)

امروزه رویکرد غیررشته‌ای در علوم انسانی و نیز اقتصاد در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی در اکثر مجامع علمی به صورت میان‌رشته‌ای (یانگ بلاد، ۲۰۰۴)^۱ و نیز با توجه به نقش هنجارهای ارزشی در رابطه با توسعه اقتصادی (پل، استریتن، ۲۰۰۷)^۲، مورد تأکید قرار گرفته است و به همین دلیل آشنایی با این رویکرد و ضرورت اعمال آن برای برنامه‌ریزان درسی به‌ویژه در دانشکده‌ها و مؤسساتی که در پی دستیابی به مرزهای جدید و خلق بایسته‌های خاص در عرصه علوم به‌ویژه علوم انسانی هستند می‌تواند نقش مهمی در توسعه عمقی این علوم و به‌خصوص اقتصاد اسلامی داشته باشد. این شیوه در روش‌های پیشرفته آموزشی و پژوهشی اقتصاد، تحت عنوان «تمرکز علائق گروهی»^۳ مورد تأکید قرار گرفته است. اگرچه منظور متفکران اقتصاد اثباتی از تمرکز علائق گروهی نوعی گرایش سود محورانه معرفتی به دانش‌های مختلف مورد نیاز پژوهشگر یا دانشجو است اما در اقتصاد اسلامی این گرایش در حدی وسیع‌تر توسعه می‌یابد به‌نحوی که با بصیرت علمی همزمان با اشراف به جنبه‌های اثباتی و هنجاری علم اقتصاد، مفهومی نوین از دانش اقتصادی که آن را اسلامی می‌خوانیم مشخص می‌شود. این شیوه آموزشی و پژوهشی قبل از اینکه در کشورهای غربی مورد توجه قرار گیرد در ادبیات و متون اسلامی و حتی قرآن کریم مورد عنایت قرار گرفته و در موارد متعددی در نصوص اسلامی، به تعبیری تأکید بر این رویکرد آموزشی و پژوهشی مشاهده می‌شود. (نگا: قرآن کریم، ۱۲/۱۰۸ و ۱۷ و ۱۸/۳۹)^۴



1. Youngblood, Michael J. (2004), An Interdisciplinary approach to teaching Economics: Microeconomics and Sociology, Submitted to The Journal of Economic Education on October 25th, 2004.

2. paul, Streeten

3. Focused Interest Group (FIG)

۴. در قرآن کریم (۱۲/۱۰۸) می‌خوانیم که:

« قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ... » (بگو: این راه من است. از روی بصیرت و آگاهی [مردم را] دعوت به سوی خدا می‌کنم...)/ در این حال بصیرت به تعبیری، اشراف بر مفاهیم عرضی و جوهری نسبت به موضوع مورد بررسی است و این بررسی زمانی از اثر بخشی و کارایی بیشتری برخوردار است که موضوع با تامل در گزینه‌های مشابه صورت گیرد زیرا قرآن کریم این روش را خرد مندانه تلقی می‌فرماید:

«فبشر عباده، الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه، اولئك الذين هداهم الله واولئك هم اولواالباب» (پس بندگان مرا

به همین دلیل در این مقاله با توضیح فرصتها و چالشها در هر یک از رویکردهای غیررشته‌ای به بررسی بهترین روش آموزشی و پژوهشی در اقتصاد اسلامی می‌پردازیم.

۱. انواع رویکردهای برنامه آموزشی در اقتصاد اسلامی

به‌طور کلی رهیافت‌های آموزشی و پژوهشی موجود در طراحی برنامه‌های درسی را می‌توان در دو دسته رهیافت‌های رشته‌ای و رهیافت‌های غیررشته‌ای^۱ تقسیم‌بندی نمود. رهیافت‌های غیررشته‌ای نیز خود به شقوق متفاوتی تقسیم می‌شود که هر یک از این تقسیمات را با توجه به فرصت‌ها و چالش‌های آموزشی مورد بررسی قرار می‌دهیم، البته برخی از محققان رویکرد غیررشته‌ای را با توجه به دلایل خاص خود با طبقه‌بندی‌های دیگری و متفاوتی در نظر گرفته‌اند، برای مثال بعضی این تقسیمات را حتی تا حد هشت طبقه^۲ و در نوشته‌هایی حتی بیشتر یا کمتر از آن مورد تفکیک قرار داده‌اند، اما اکثر متفکران بر سه رویکرد آموزشی یعنی «چند رشته‌ای»^۳ «فرارشته‌ای»^۴ و «میان‌رشته‌ای» اکتفا نموده‌اند. (درایک، ۱۹۹۳، من، ۲۰۰۰) و (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸)

در هر حال در این مقاله همین سه رویکرد را مورد توضیح قرار می‌دهیم و بدیهی است که در رابطه با تعاریف ارائه شده در این مقاله سعی می‌شود حد متوسط و متعارفی از تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مختلف مبنای بحث قرار گیرد.

۱-۱. رویکرد چندرشته‌ای

در این رویکرد رشته‌های مختلف برای حل مسئله و دسترسی به اهداف مورد نظر با حفظ مبانی و احترام به روشهای یکدیگر نسبت به مفاهیم و بررسی موضوع علمی همکاری می‌نمایند. این برنامه درسی که برخی آن را رویکرد رشته‌ای موازی یا چند رشته‌ای موازی نیز نامیده‌اند، با کنار هم گذاشتن دروس مرتبط ایجاد می‌شود، در واقع روشی است که در آن هر یک از رشته‌ها، مفاهیم، ساختار، اصول، مبادی و روشهای خود و همچنین ترتیب ارائه آنها را به‌طور کامل حفظ می‌کند و در عمل تنها شاهد اجرای متوازی دروس مورد نیاز اقتصاد اسلامی و با رعایت نظم منطقی هر رشته، می‌باشیم.

بشارت ده که گفته‌ها را می‌شنوند و بهترین آنرا برمی‌گزینند، آنها کسانی‌اند که خدا هدایتشان نموده و آنان خردمنداند) / سوره مبارکه زمر؛ آیات ۱۷ و ۱۸

1. Non-Disciplinary Approach

۲. پیغامی، عادل، درآمدی بر طراحی برنامه‌های درسی با تأکید بر رویکردهای تلفیقی، دانشگاه امام صادق(ع)

3. Multidisciplinary

4. Trans-disciplinary



در این رویکرد که در حال حاضر شاهد آن هستیم، مجموعه‌ای از برنامه‌های درسی مرتبط با علوم اقتصادی را با هم می‌توان ملاحظه نمود. به این ترتیب هیچ گونه تلاقی و تعاملی از نظر موضوع، و یا با توجه به مبادی، مبانی یا روش بین دو یا چند حوزه معرفتی لحاظ نمی‌شود و صرفاً به ارائه دروس، بدون هیچ‌گونه اصطکاک یا یکدیگر اکتفا می‌شود. در این رویکرد به تلاقی و تعاملی که موضوعات و مبانی و مبادی و روش‌های دو حوزه معرفتی با هم می‌توانند داشته باشند، توجه لازم صورت نمی‌گیرد و تلاش می‌شود تا همگونی و سازگاری درونی برنامه و محتوای آموزشی ضرورتاً رعایت شود.

به‌طور کلی باید توجه داشت که هرچند رویکرد چندرشته‌ای، رویکردی ساده و به نسبت سایر رویکردها ابتدایی و فاقد ویژگی‌های تلفیقی لازم می‌باشد، ولی نباید از این نکته غافل ماند که تمامی جریانات و سیاستهای آموزشی غیررشته‌ای به‌ویژه در گام اول و تازمانی که متون، درسنامه و محتوای آموزشی مشخص و همچنین اساتید لازم جهت تدریس آن کاملاً وجود ندارد، ناگزیر از رویکرد چندرشته‌ای و موازی حداقل به‌عنوان اولین حرکت آموزشی خواهد بود. در حال حاضر شواهد و نمونه‌هایی از این روش در مراکز دانشگاهی کشور و حتی در دانشگاه‌های معتبر علمی دنیا در حال اجرا است که البته با چالش‌هایی که بعداً به آن اشاره خواهیم نمود مواجه می‌باشد.

با توجه به این که تا به حال نظام حاکم و سنتی آموزش دانشگاهی، نظام رشته‌ای بوده و مدیران و برنامه‌ریزان و اساتید خود برآمده از همین نظام می‌باشند، به همین دلیل طراحی و اجرای این نوع برنامه بسیار ساده است. چرا که در این رویکرد برنامه درسی تغییر اساسی و ماهوی را شاهد نیست، و در عین حال یافتن اساتیدی که حداقل در یک رشته، تخصص کافی داشته باشند سهل تر می‌باشد.

چالش‌هایی که این رویکرد آموزشی ممکن است ایجاد نماید، ابهامی است که به علت عدم توضیح ارتباط عمیق و مؤثر بین رشته‌ها و مفاهیم در ذهن دانشجو باقی خواهد ماند. در این میان به جز برخی دانشجویان خلاق و یا دانشجویانی که زمینه‌های قبلی داشته‌اند، امکان ارتباط بین مفاهیم از عهده اکثر دانشجویان مشکل بوده و احتمال شکست و خطر عدم دستیابی به اهداف آموزشی از سوی یادگیرنده و گرایش او در جهتی معکوس تشدید می‌گردد.

۱-۲. رویکرد فرا رشته‌ای

از نظر برخی متفکران اصولاً مرزبندی بین علوم مختلف بی‌معنا و تصنعی است و برای درک علمی لازم است این مرزهای ساختگی را فرو ریخت تا بتوان از مسائل پیچیده جهان درک



عمیق‌تری حاصل نمود. (رولاند، ۱۳۸۷). به این ترتیب در این رویکرد آموزشی یک موضوع یا مسئله کلی مطرح می‌شود و همزمان از طریق هماهنگ‌سازی اصول سازمان دهنده، مبانی، روش‌ها و دیسپلین‌های مختلف سایر نظام‌های رشته‌ای، براساس یک رویه واحد، موضوع یا مسئله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این رویکرد آموزشی از نظر فلسفی و نظری و با توجه به آموزش موضوعاتی که از ابعاد مختلف همپوشانی دارند جذابیتی فوق‌العاده دارد، اما با توجه به تشتت وسیع مسائل تجربی، اعتقادی، و انسانی در عمل تقریباً غیرممکن است. اصل تمرکز رشته‌های مختلف روی یک مسئله کلی است در حالی که مسائل تخصصی رشته‌های مختلف از روش‌های خاص خود باید استفاده نمایند و این امر در صورتی که اساتید اقتصاد اسلامی همگی نوابغی چون ارسطو و ابن سینا باشند، شاید عملی باشد ولی با توجه به پراکندگی وسیع علوم، این روش تنها در قالب یک تئوری می‌تواند مطرح شود.

علاوه بر این همانگونه که گفتیم حتی اگر بتوان اساتیدی با اطلاعات و دانش بسیار وسیع و عمیق در کلیه رشته‌های مرتبط پیدا نمود که عملاً غیر ممکن است، در آن صورت نیز ایجاد هماهنگی بین اساتید مشکل و غیر عملی خواهد بود.

نکته دیگری که باید به آن توجه نمود شرط لازم برای چنین برنامه آموزشی و طراحی درسی، این است که موضوع یا موضوعات انتخابی، امکان پذیرش از جانب رشته‌های مختلف را داشته باشد ولی معمولاً همه رشته‌ها در این رویکرد قابلیت تلفیق اصولی با هم نخواهند داشت. در عین حال با توجه به زمان زیادی که این فرآیند آموزشی طی خواهد نمود نمی‌توان انتظار داشت که محصول این رویکرد آموزشی تقاضای وسیع بازار را با سرعت کافی پاسخ دهد و عملاً ممکن است باعث سرخوردگی کسانی شود که به امید تکمیل یک دوره آموزشی در زمانی متعارف به این فضای آموزشی وارد شده‌اند.

۳-۱. رویکرد میان‌رشته‌ای

این رویکرد در واقع حد وسطی بین رویکرد چندرشته‌ای و فرارشته‌ای است. در واقع در این فرآیند آموزشی، تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از اصول موضوعه و مبانی شناختی موضوع اصلی که در اینجا اقتصاد اسلامی است، سایر مباحث مورد نیاز این مبحث را در حیطه بررسی تبادلی و چالشی قرار داد. از یک طرف جذب نقاط مشترک رشته‌های مختلف می‌تواند مجموعه‌ای از مهارت‌ها و فعالیت‌های مفید را فراهم و به‌منظور کارآیی بیشتر دانشجو آنها را در برنامه آموزشی اقتصاد اسلامی سازماندهی کرد. از طرف دیگر می‌توان با رویکردی چالشی هماهنگی سایر



رشته‌ها را در توازن با اصول موضوعه پذیرفته شده اقتصاد اسلامی برقرار و توجیه نمود. معمولاً در این رویکرد یک مقدمه درسی با همکاری یک متخصص تعلیم و تربیت باید طراحی شود که طی آن یادگیرنده طیف تعریف شده‌ای از فعالیت‌ها و مهارت‌های شناختی و گرایش و رفتاری را با توجه به فواید و ضرورت آن قبل از ورود به هر رشته دیگر با یک توالی مناسب کسب کند. به این ترتیب مبحث علمی اصلی در این رویکرد تنها به‌عنوان یک هدف آموزشی، سایر منابع و زمینه‌ها و تجارب مربوط به مجموعه‌ای از سایر فعالیت‌های علمی مرتبط را در خود تحلیل نموده و نقش چارچوب و ساختار مربوطه برای انتخاب آن موقعیتها را ایفا می‌کند.

بنابراین در این سازماندهی خاص آموزشی، دانشجویان و محققان هرچند به نظام رشته‌ای خاصی مقید می‌شوند ولی موضوعات مهم و مرتبطی را از ابعاد مختلف و در بسترهای مختلف علمی مورد مطالعه و توجه قرار می‌دهند.

در این روش می‌توان امیدوار بود که حداکثر ابهام‌زدایی در ذهن فراگیرنده اقتصاد اسلامی فراهم گردد، زیرا در این رویکرد آموزشی واقعیت‌های چند وجهی و پیچیده مسائل جهان امروز می‌تواند به صورتی منسجم و با برنامه آموزشی میان‌رشته‌ای ارتباط مؤثری برقرار نماید.

در عین حال در این رویکرد با توجه به ارتباطات مشترک مطالب، یکپارچگی و انسجام مطالب اصلی حفظ شده و یادگیری بهتر انجام می‌شود. این امر به نوبه خود باعث می‌شود تا در زمان دستیابی به اهداف متکثر و چند بعدی آموزش اقتصاد اسلامی نیز صرفه‌جویی به عمل آید. البته برخی انتقادها بر این رویکرد آموزشی را در اقتصاد اسلامی نباید نادیده گرفت به طوری که ممکن است این رویکرد موجب نوعی سطحی‌نگری شود که برای سیاست‌گذاری اقتصادی و دولتمردان تصمیم‌ساز چندان مناسب نیست. ولی برای سطوح اجرایی و عملیاتی چه بسا این رویکرد می‌تواند مفید تلقی گردد زیرا مسئولان در اجرا به‌طور مرتب با امور چند جانبه و مرتبط با همه جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و غیره نیز مواجه می‌باشند، بدیهی است در سطوح علمی بالاتر، مثل دوره‌های تکمیلی، عمق مطالب دریافت شده این نارسایی را تقلیل خواهد داد.

۲. ضرورت رویکرد میان‌رشته‌ای برای اقتصاد اسلامی

یکی از مهم‌ترین ضرورت‌هایی که می‌توان در رابطه با رویکرد میان‌رشته‌ای مطرح نمود، پیچیدگی روزافزون سیستم‌های اجتماعی و بین‌المللی است که نیاز دانشجویان، بخش آموزشی را وادار می‌سازد تا با حفظ محوریت اقتصاد اسلامی نگرشی عالمانه نسبت به مسائل و روشهای



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۹۸

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹

علمی مرتبط و متعدد دنیای پیرامون خود داشته باشد.

علاوه بر این کارآیی اقتصادی اقتضا می‌نماید که همزمان با شناخت اقتصاد اسلامی، سیستم‌های دیگری چون معارف دینی، اجتماعی و حتی تجربی و نیز سیستم‌های اقتصادی شرقی و غربی را با نگاهی نقادانه مورد تأمل قرار داد زیرا این مفاهیم امروزه چنان به هم پیوند خورده‌اند که رویکرد رشته‌ای مجزا و منزوی از آنها به نوعی اشتباه پایه‌ای و خطرناک و به بروز بدعت‌ها و توهمات کاملاً بی‌ریشه و آسیب‌زا در روند توسعه اقتصاد بومی دامن می‌زنند.

اگرچه جهانی شدن خود در روندی که در حال حاضر دارد، مورد پذیرش ما نیست، اما در هر روند دیگری که داشته باشد، از جمله در آنچه به وسیله مخالفان کنونی‌اش مطرح می‌شود، جز به ادغام و در هم تنیده شدن سیستم‌های فناورانه اجتماعی و فرهنگ‌های گوناگون نمی‌تواند راهی داشته باشد. به همین دلیل و با توجه به امکان اثربخشی بیشتر نیاز به مطالعات بین‌رشته‌ای دائماً افزایش یابد. در واقع با توجه به این رویکرد و این‌گونه مطالعات امکان شناخت و درک جهان واقعی و مسائل سایر رشته‌های آموزشی کنونی فراهم شده و به ما امکان می‌دهد تا بتوانیم با نفوذ و اشراف بهتری با آن وارد تعامل شده و از منافع اقتصادی که به آن معتقدیم با نگرش مؤثرتری دفاع کنیم.

به این ترتیب برخی از مزایای رویکرد میان‌رشته‌ای در اقتصاد اسلامی را می‌توان در موارد

زیر جستجو نمود:

۱. اجتناب از زیادآموزی و کم آموزی و توجه بیشتر به مسائل و نیازهای واقعی اقتصاد اسلامی.
۲. با تنظیم کردن زمان آموزش مناسب، هزینه‌های ضروری آموزش کاهش می‌یابد.
۳. امکان برنامه‌ریزی آموزشی برای مشاغل و مناطق را با توجه به امکانات و شرایط بومی فراهم می‌سازد.
۴. زمینه مناسبی برای ارتقا و نوآوری هر فراگیر در دوره‌های تکمیلی را فراهم می‌سازد.
۵. امکان اشتغال فراگیرنده با توجه به علاقه او، پس از طی دوره‌های آموزشی مربوطه فراهم می‌شود.
۶. دانشجویان در این رویکرد بسیار فعالند و آزادی انتخاب برای آنان به مراتب بیشتر از سایر رویکردها است.
۷. انتقال دانش اقتصاد اسلامی به محیط کار را سرعت می‌بخشد.
۸. به تفاوت‌های فردی توجه عمیقی دارد.



۹. به واسطه هماهنگ سازی سایر رشته‌ها با محوریت اقتصاد اسلامی، جذب و ماندگاری مطالب در ذهن فراگیران ارتقا می‌یابد؛ و
۱۰. موفقیت و تسلط فراگیران در کسب مهارت‌ها، بر اساس استانداردی معین ارزشیابی می‌شود.

۳. محورهای شناختی میان رشته‌ای در اقتصاد اسلامی، مطالعه موردی دانشگاه بین‌المللی مالزی^۱
شناخت اقتصاد اسلامی با توجه به ماهیت طبیعی و فطری انسان، ناگزیر متکی به آشنایی با سایر رشته‌های معرفتی مرتبط است. بنابراین ارتباط اقتصاد اسلامی از یک طرف متمایل به روابط اثباتی است زیرا در مقابل واقعیت‌های طبیعی و زیستی ناگزیر به پاسخگویی به «هست‌ها» است و به مصداق «لامعاد لمن لامعاش له»، باید کارآیی لازم در رفع نیازهای طبیعی را داشته باشد و از طرف دیگر با توجه به حقایق جهان هستی و فطرت ذاتی خود، معتقد و ملتزم به روابط هنجاری و به عبارت دیگر «بایدها» است.

این در حالی است که هر یک از روابط فوق، خود به ارتباطات شناختی و ضروری دیگری مرتبط خواهد بود. روابط اثباتی به نوبه خود مرتبط با شناخت انسانی از قالب‌های موجود فیزیکی و رفتاری است و به تعبیری می‌توان آن را تحت عنوان: «علم الابدان» یا روابطی که در چارچوب اتحادهای جبری و قوانین طبیعی موجود «آنگونه که هست» جستجو نمود، برای مثال میزان کالری و پروتئین لازم برای زنده ماندن در وضعیت طبیعی و یا عملکرد متعارف جامعه در مقابل متغیرهای اقتصادی مثل واکنش متعارف تقاضا یا عرضه در برابر افزایش یا کاهش قیمت، قوانینی معمولاً ثابت است که با توجه به نتایج تجربی می‌توان بر آنها دست یافت.

از طرف دیگر روابط هنجاری مرتبط با شناخت انسانی از فلسفه وجودی زندگی و نیز روشهایی راهبردی است که «آنگونه که باید باشد»، پاسخ‌های نهایی به این فلسفه وجودی و نیز قوانین موضوعی را تأمین نماید و به تعبیری می‌توان آن را تحت عنوان «علم الادیان» یا آگاهی به مکاتب و نظام‌های مختلف تلقی نمود.

این مسئله را می‌توان در اکثر مؤسساتی که به آموزش اقتصاد اسلامی اشتغال دارند مشاهده نمود و با توجه به دروس ارائه شده در پرتجربه‌ترین دانشگاهی که مدرک دانشگاهی در این زمینه می‌دهد، یعنی دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی^۲ مورد مطالعه قرار داد.

1. IIUM

2. International Islamic University Malaysia



دانشگاه بین‌المللی مالزی، در سال ۱۹۸۳ بر اساس اولین کنفرانس آموزش مسلمین که در سال ۱۹۷۷ در مکه برگزار گردید، توسط دولت مالزی تشکیل شد.^۱ با توجه به تجربه ۲۵ ساله این دانشگاه در رابطه با اقتصاد اسلامی تاکنون بسته‌های آموزشی در چهار زمینه مالی، بین‌الملل، توسعه و اقتصاد اسلامی و یک بسته انتخابی شامل دروس مورد علاقه دانشجوی و محورهای تجربی، راهبردی، انسانی و عقیدتی طبق جدول شماره یک ارائه می‌شود.

جدول ۱. بسته‌های آموزشی و گرایشهای دروس در رشته اقتصاد اسلامی دانشگاه بین‌المللی مالزی (IIUM)

گرایش	تعداد دروس ۳ واحدی	بسته آموزشی
تجربی - راهبردی	۶	بخش آموزش اقتصاد مالی
تجربی - راهبردی	۶	بخش آموزش اقتصاد بین‌الملل
عقیدتی - راهبردی - انسانی	۶	بخش آموزش اقتصاد توسعه
عقیدتی - انسانی - راهبردی	۶	بخش آموزش اقتصاد اسلامی
متفرقه	۶	دروس انتخابی



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۰۱

زهیافت میان‌رشته‌ای
در آموزش و ...

مسئله مهمی که معمولاً در اکثر برنامه‌ها مورد فراموشی قرار می‌گیرد، تفکیک‌ناپذیری نهایی روابط اثباتی و هنجاری است و اگرچه به‌منظور تقسیم کار علمی و ارتقا کارایی، شناخت انسانی گاهی با تمرکز بیشتر به بخشی از جهات معرفتی گرایش می‌یابد ولی در تجزیه و تحلیل نهایی، معرفت علمی متکی به همه جهات معرفتی است و در واقع تفکیک مطلق این روابط غیر ممکن است زیرا شناخت اثباتی متکی به انتخاب فضای تجربی است ولی این انتخاب خود معلول ترجیحات اولیه و امری نهایتاً هنجاری است.

این مسئله یعنی تفکیک‌ناپذیری روابط معرفتی، مهم‌ترین دلیل میان‌رشته‌ای بودن اقتصاد و به خصوص اقتصاد اسلامی است. اقتصاد اسلامی در عین حال که با روابط اثباتی و هسته‌ای اقتصادی سروکار دارد، در همان حال متکی به هنجارهایی است که باید بر اساس آن خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و قوانین موضوعه راهبردی را تدوین نماید، برنامه‌هایی که حتی بدون در نظر گرفتن آن، تحقیقات اثباتی نیز ممکن است با اختلال و توقف مواجه شود.

1. Mohamed, A.H.,Ruzita, M.A.(2005).“Teaching Islamic Economics in Malaysian Universities: Lesson from Department of Economics.”, 6th International conference on Islamic Economics and Finance , Jakarta

به این ترتیب، با توجه به هریک از این ارتباطات شناختی و ضرورت آن در اقتصاد اسلامی می‌توان با تقسیمات مقدماتی زیر و بر اساس نمودار یک، رئوس محوری رشته‌ها را مورد ملاحظه قرار داد. بدیهی است با تقسیم مجدد رشته‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی، در مراحل بعدی، شناخت اقتصاد اسلامی با عمق بیشتری حاصل خواهد گردید.



نمودار ۱. محورهای ارتباطات رشته‌ای در اقتصاد اسلامی

روابط هنجاری و روابط اثباتی در مرحله اول به ترتیب ناگزیر به شناخت علوم اعتقادی (مثل مبانی عقیدتی و اصولی علم اقتصاد و یا فلسفه اقتصاد) و علوم تجربی (مثل روشهای کمی سنجش ارزش‌های اقتصادی و محاسبه تأثیرات متقابل آنها بر یکدیگر) است ولی با تحقق اجتماعی اقتصاد اسلامی به ترتیب علوم راهبردی (سیاست‌گذاری اقتصادی، برنامه‌ریزی و تدوین قوانین مرتبط) و علوم انسانی (اخلاق، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی) از رشته‌هایی هستند که مطالعه آنها برای پژوهشگر مذکور اجتناب ناپذیر خواهد بود. به این ترتیب هر یک از شقوق فوق را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۳. محور اعتقادی

با توجه به ضرورت ارتباط اقتصاد اسلامی با علوم اعتقادی می‌توان این ارتباط را در دو جنبه مورد بررسی قرار داد:

اول) جنبه فلسفی: دانش اقتصاد مثل همه علوم متکی به اصول موضوعه^۱ است که قضایای علمی ثانویه بر اساس آن اصول اولیه شکل می‌گیرد. بررسی این اصول از نظر تجربی غیر قابل

1. Axioms



اثبات است و تنها روش بررسی آن مرتبط با روش‌شناسی فلسفی است. برای مثال نظریه پردازان اقتصاد آزاد و اقتصاد سوسیالیسم و هر مکتب اقتصادی دیگر، مباحثی فلسفی را در رابطه با اصول خود مطرح می‌نمایند. اقتصاد اسلامی نیز گسترشی از اصول عقاید اسلامی است و پذیرش اسلام و به خصوص اصول آن تعبدی نیست و یک مسلمان باید بتواند براساس فلسفه‌ای که فطرت او آنرا می‌پذیرد اصول مکتب و نهایتاً اصول اقتصاد اسلامی را با استدلالی عقلانی بپذیرد و این مسئله نیازمند تسلطی نسبی بر فلسفه، منطق و علوم کلامی و نیز آگاهی به تطور فکری علم اقتصاد در سایر مکاتب خواهد داشت. به‌طور کلی علم اقتصاد و در نتیجه اقتصاد اسلامی در سه زمینه اصلی زیر مرتبط با مباحث فلسفی است:

۱. علم اقتصاد پرسش‌های اخلاقی مربوط به رفاه، عدالت و آزادی را مطرح می‌کند.

۲. علم اقتصاد پرسش‌های مربوط به رفتار عقلانی انسان را مطرح می‌کند.

۳. علم اقتصاد پرسش‌های روش‌شناسانه یا معرفت‌شناسانه مربوط به خصیصه و امکان‌پذیری دانش پدیده‌های اجتماعی را مطرح می‌سازد.

دوم) جنبه فقهی: بخش مهمی از مباحث اقتصادی سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری اقتصادی است. در نظام‌های مختلف اقتصادی قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری با تکیه به اصول پذیرفته آن نظام‌ها شکل می‌گیرد و به این ترتیب روش‌شناسی تدوین قوانین و سیاست‌های کلی در هر نظام اقتصادی، مبانی و شیوه‌های خاص خود را دارد. اگر این مبانی را در مکتب اسلامی تحت عنوان فقه تلقی نماییم در این صورت دانشجوی و پژوهشگر اقتصاد اسلامی لازم است که حداقل به‌طور کلی به این روش‌شناسی (فقه)، منابع، فرآیند و شکل‌گیری احکام و مقررات برآمده از این مکتب، و جایگاه به‌کارگیری آن در حد لزوم آشنایی داشته باشد.

۲-۳-۲. محور تجربی

امروزه ضرورت ارتباط اقتصاد اسلامی با علوم تجربی کاملاً مشخص شده است. بسیاری از احکام اسلامی وابستگی مستقیمی به تحولات تجربی دارند، برای مثال بررسی عواملی که در هر دوره زمانی ممکن است بر روی عرضه و یا تقاضا و نیز سایر متغیرهای اقتصادی تأثیر داشته باشد، نوع واکنش متغیرهای اقتصادی نسبت به تغییر متغیرهای دیگر نیازمند نوعی بررسی تجربی است که یک سیاست‌گذار یا برنامه‌ریز اقتصاد اسلامی باید کاملاً به آن اشراف داشته باشد.

حتی در مسائل فقهی ممکن است یک حکم شرعی در ماهیت خود تغییر کند و به چیزی غیر



از آنچه که پیش از آن بوده تبدیل شود؛ این نوع تحول ماهوی در موضوعات و تحولات تجربی و طبیعی که با توجه به روابط و قوانین تجربی روی می‌دهد، در فقه تحت عنوان (استحاله) یا (انقلاب) شناخته شده است و با تغییر ماهوی موضوع، حکم آن نیز تغییر می‌کند، مثالی که معمولاً در این مورد مطرح می‌شود: تبدیل شراب به سرکه است ولی امروزه تحولات پیچیده مسائل انسانی با تکیه به ابزارهای الکترونیکی و روش‌های آماری باید مورد بررسی قرار گیرد و بنابر این، یک اقتصاد دان اسلامی لازم است تا مثلاً برای دریافت دقیق‌تر تحولات اقتصادی و اجتماعی مسائل و رویکرد عرفی یک جامعه، بر روشهای استنتاج تجربی مثل آمار و احتمالات و اتحادهای تجربی اقتصادی تسلط داشته باشد.

۳-۳. محور راهبردی

ارتباط اقتصاد اسلامی با علوم راهبردی با توجه به جهان پر تحول امروز اجتناب‌ناپذیر است. به‌طور کلی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی از یک طرف متکی بر شناخت اتحادهای اقتصادی و از طرف دیگر استفاده از این شناخت در جهت‌دهی اقتصاد به سمت اهداف راهبردی است.

ممکن است روابط اجتماعی به‌نحوی تغییر یابد که بدون ایجاد تغییر در ماهیت موضوعات عرفی و طبیعی، کارکرد اجتماعی همان موضوعات تحول پیدا کند. مقصود از کارکرد اجتماعی^۱، موارد استفاده‌ای است که یک موضوع در نظام زندگی اجتماعی انسان دارد. تحول در کارکرد یک موضوع، یا بدین صورت است که آن موضوع به‌طور کلی کارکرد گذشته خود را از دست می‌دهد و دارای کارکرد اجتماعی جدیدی می‌شود و یا این که ضمن حفظ کارکرد گذشته خود و در کنار آن، کارکرد جدیدی را به دست می‌آورد.

این فرآیند در مسائل فقهی نیز مورد ملاحظه قرار گرفته است؛ برای مثال طبق نظر شیخ انصاری در «مکاسب»^۲ و سایر فقهایی که قبلاً فتوا به حرمت معاوضه خون می‌دادند، به این دلیل بود که اصطلاحاً، منفعت محلله مقصوده در معاوضه آن وجود نداشت.

حال اگر در علوم تجربی ثابت شود که برای خون و سایر موارد نظیر آن منفعت محلله مقصوده وجود دارد و به‌عنوان مثال می‌توان خون کسی را گرفت و به دیگری تزریق کرد و او را از بیماری یا مرگ نجات داد، در این صورت خرید و فروش خون و موضوعاتی نظیر



1. Social function

۲. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، مطبوعات دینی، ۱۳۶۶

آن از نظر مبادله اقتصادی محکوم به حلیت است و در اینجا نقش علوم راهبردی در رابطه با کارکرد بسیاری از موضوعات مبتلا به جامعه و تشخیص انتفاعی بودن آن و یا اهمیت آن برای دستیابی به هدف نهایی مکتب و یا نقش آن در جلوگیری از چالشهایی که خطر تزاممی برای نظام اقتصادی دارد، برای اقتصاد دان اسلامی ضروری خواهد بود. در این رابطه وضع قوانین، موضوعه مثل قانون برنامه و یا سایر قوانین مسلما در قالب شناخت راهبردی و تشخیص مصلحت نظام باید صورت پذیرد.

۳-۴. محور انسانی

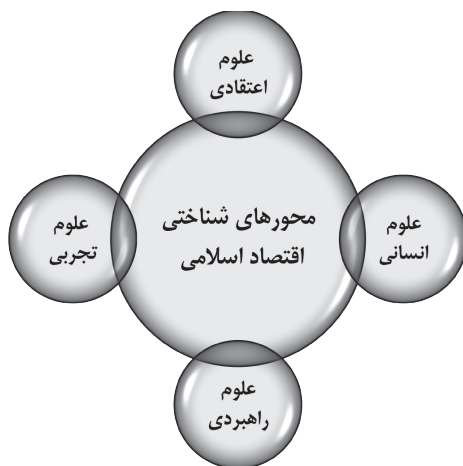
ضرورت ارتباط اقتصاد اسلامی با علوم انسانی و انجام مطالعات بین رشته‌ای بین آنها، بر کسی پوشیده نیست. منظور از علوم انسانی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اخلاق و علومی از این قبیل است که مستقیماً به رفتارهای متعارف انسانی و آسیب شناسی آن مربوط می‌شود. شناخت واکنش‌های طبیعی انسان چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی از لوازمی است که اقتصاددان اسلامی به کمک آن قوانین موضوعه و سیاست‌های اقتصادی را تنظیم می‌نماید. حتی مدل‌های اقتصادی در اقتصادهای اثباتی، ناگزیر به تعامل با رشته‌های انسانی است و بدیهی است تعامل با این محور معرفتی در اقتصاد اسلامی به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در نمودار شماره دو روابط هنجاری با دو محور معرفتی یعنی علوم فقهی و علوم راهبردی و روابط اثباتی با محوریت علوم تجربی و علوم انسانی موقعیت میان‌رشته‌ای اقتصاد اسلامی را مشخص می‌سازد.

بدیهی است محورهای معرفتی خود حاوی مباحث تخصصی درسی یا پژوهشی متعددی خواهد بود که امروزه به صورت درسنامه‌های مختلف در دانشگاه‌ها مورد تدریس قرار می‌گیرد، ولی باید توجه داشت که در هر حال، چه در اقتصاد اسلامی و چه در اقتصاد متعارف، هر درسنامه به یکی از محورهای معرفتی مربوط است و همان‌طور که قبلاً ذکر گردید، این درسنامه‌ها به صورت مباحثی میان‌رشته‌ای و در راستای جهت‌گیری اقتصاد اسلامی می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد^۱.

۱. این تقسیم بندی می‌تواند به تعبیری متخذ از فرمایش امام صادق (ع) باشد که علوم مردم را در چهار شاخه تقسیم نموده اند (به کلیات الخصال در بخش منابع مراجعه فرمائید).





نمودار ۲. محورهای معرفتی میان‌رشته‌ای اقتصاد اسلامی

۴. سنجش ضرایب میان‌رشته‌ای در اقتصاد اسلامی

باتوجه به مطالعات پل/استرینین (۲۰۰۷) در رابطه با «چالش‌های علم اقتصاد در تاریخ معاصر»، این دانش در حال حاضر به علت کنار گذاشتن برخی از زمینه‌های معرفتی و فلسفی در وضعیت ابهام‌آمیزی قرار گرفته است و آنگونه که باید، قادر به پاسخگویی به اهداف نهایی خود نیست. به همین علت زمانی که اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک مبحث آموزشی مطرح می‌شود لازم خواهد بود تا ارتباط متقابل آن با مباحث علمی مرتبط به خوبی مشخص و برای دانشجو و پژوهشگر مفهوم گردد. اگرچه اقتصاد اسلامی، همانگونه که گفتیم همواره در ارتباط با چهار محور معرفتی اساسی سروکار دارد اما هر یک از این مباحث خود به رشته‌های درسی خاصی تقسیم می‌گردد. برای مثال محور اعتقادی در رابطه با اقتصاد اسلامی به فلسفه اقتصاد، اصول عقیدتی (هنجارهای حقوقی و فقهی آن) باز می‌گردد و رشته‌های آموزشی در این زمینه، به پاسخ سوالات و مسائل هنجاری علم اقتصاد کمک می‌نماید. این در حالی است که رشته‌هایی از علوم انسانی مثل اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌تواند در چارچوب محور علوم انسانی در علم اقتصاد دخیل باشد، به همین ترتیب مباحث برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ارتباط با محور راهبردی اقتصاد اسلامی و نیز آمار و احتمال و سایر معارف تجربی در محور مطالعات علوم تجربی می‌تواند سهم مؤثری در شکوفایی این علم ایفا نماید.

برای اینکه بتوانیم تأکید عمومی مدرسان و محققان اقتصاد اسلامی را در رابطه با اهمیت



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۰۶

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹

نسبی هر یک از رشته‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی برآورد نماییم از طریق یک پرسشنامه، موضوعات پیشنهادی و موضوعات اقتصادی که با توجه به هدف آموزشی اقتصاد اسلامی می‌توان آن موضوعات را در برنامه آموزش میان‌رشته‌ای اقتصاد اسلامی ضروری تلقی نمود، سؤالاتی را مطرح نمودیم.

جامعه آماری در این تحقیق، مدرسان، پژوهشگران و دانشجویان دوره‌های تکمیلی که به نحوی با اقتصاد اسلامی سروکار داشته اند بوده است. تعداد نمونه در این تحقیق، با توجه به جدول «کرجسی و مورگان» حدود ۲۰۴ واحد و با توجه به غیر قابل استفاده بودن بیست مورد از پرسشنامه‌های دریافتی، استناد تحقیق مربوط به ۱۸۴ مورد می‌باشد.

به‌طور کلی در پژوهش از دو روش محاسبه آلفای کرونباخ^۱ برای کل پرسشنامه و نیز محاسبه آلفای کرونباخ برای اجزای پرسشنامه در جهت پایایی مورد ملاحظه قرار گرفت که با توجه به پایایی لازم در کلیه موارد، قابلیت اعتماد نسبی نتایج مورد تأیید قرار گرفت. در عین حال در این پژوهش با توجه به روش مؤلفه‌های اصلی^۲ و نیز چرخش واریماکس^۳ در تحلیل عاملی، نتایج پرسشنامه، مورد قبول واقع گردید.

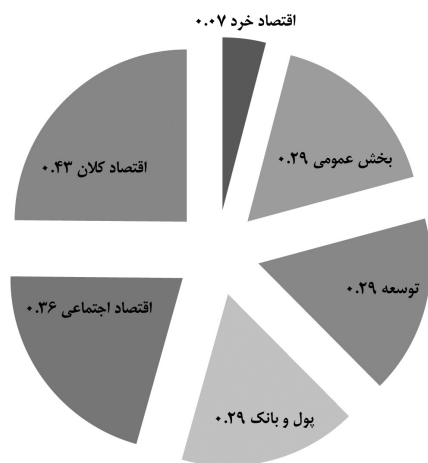
اگرچه با توجه به عدم امکان دسترسی به همه محققان و مدرسان اقتصاد اسلامی، پرسشنامه، در یک جامعه نمونه تکمیل گردید، اما نتایج آماری این جامعه نمونه با توجه به این که اکثر مدرسان و محققان قدیمی و صاحب نظر اقتصاد اسلامی در آن شرکت داشته‌اند، می‌تواند با توجه به نتایج مقدماتی، ضرایب متوسطی از علایق گروهی و روابط میان‌رشته‌ای مباحث دیگر را نسبت به اقتصاد اسلامی بر آورد نموده که البته این نسبت‌ها می‌تواند در طول زمان و افزایش واحدهای نمونه از دقت بیشتری برخوردار شود. طبق این بررسی ابتدا اهمیت اقتصاد اسلامی در اصلاح موضوعات علمی مرتبط با اقتصاد اسلامی و سپس اهمیت سایر رشته‌های مرتبط و ملنزم با مبحث اقتصاد اسلامی مورد سؤال قرار گرفت.

در پاسخ به سؤال اول طبق نمودار شماره سه بیشترین تأکید بر روی مباحث اقتصاد کلان و سپس اقتصاد اجتماعی بود به طوری که ضریب اهمیت این دو مبحث به ترتیب ۴۳ و ۳۶ درصد محاسبه گردید، پس از آن پول و بانک، توسعه و اقتصاد بخش عمومی با ضریب اهمیت ۲۹ درصد بیشترین تأکید را به خود اختصاص داد و در این مطالعه اقتصاد خرد کمترین تأکید، یعنی

1. Cronbach's alpha
2. Principal components
3. Varimax Rotation



با ضریب اهمیتی معادل هفت درصد مورد محاسبه قرار گرفت و این موضوع قابل قبول است زیرا در اقتصاد خرد روابطی مثل هزینه متوسط یا هزینه متغیر و اکثر مباحث دیگر بیشتر جنبه اثباتی داشته و کمتر در اصطکاک مستقیم با مفاهیم اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد. در این مطالعه اگرچه می‌توانستیم برخی مباحث مثل پول و بانک و یا توسعه را درهم ادغام نماییم، اما با توجه به مشخص بودن اهمیت نسبی مباحث تخصصی، محاسبه ضرایب اهمیت به همان ترتیبی که پاسخ دهندگان اظهار نموده بودند مورد برآورد قرار گرفت.



نمودار ۳. ضریب اهمیت اقتصاد اسلامی در بهبود محتوی رشته‌های مرتبط
 ماخذ: نتایج پرسشنامه از اساتید و محققان اقتصاد اسلامی^۱ در سال ۱۳۸۸

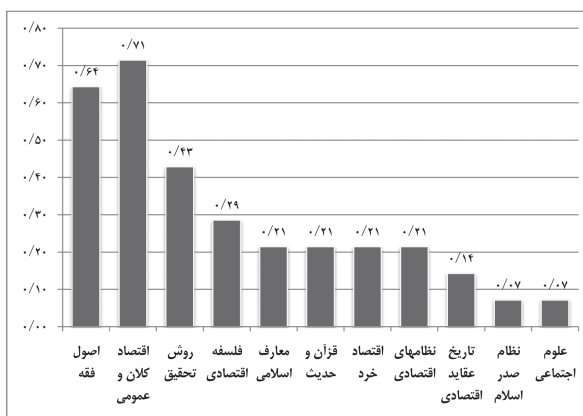
از طرف دیگر اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک مبحث میان‌رشته‌ای صرفاً اثرگذار بر رشته‌های دیگر نیست، بلکه خود با توجه به اثرپذیری از رشته‌های دیگر به تعمیق مفاهیم و بهبود روشها در ساختار و شیوه‌های سیاست‌گذاری بهره‌برداری خواهد نمود. به این ترتیب در پرسشنامه، سؤال دیگری در رابطه با رشته‌هایی که به نحوی می‌تواند در مفاهیم اقتصاد اسلامی، دانشجو و فراگیرنده را یاری رساند مورد پرسش قرار گرفت. در واقع اینکه چه مباحثی مستقیماً در مفاهیم بهتر اقتصاد اسلامی می‌تواند مؤثر افتد و به صورت پیشنیاز یا همزمان با مبحث اقتصاد اسلامی باید تدریس شود، سؤال دیگری بود که نتایج آن طبق نمودار شماره چهار می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد.

طبق این مطالعه اقتصاد عمومی و اقتصاد کلان بیشترین ضریب اهمیت را به خود اختصاص

۱. اعضای انجمن اقتصاد اسلامی ایران در اجلاس سال ۱۳۸۸ و مدرسین و محققانی که بعداً پرسشنامه را تکمیل نمودند.



داده است، به طوری که ضریب اهمیت این مباحث ۷۱ درصد محاسبه شده است. پس از این مورد اصول فقه همچنان به عنوان مهم ترین رشته آموزشی با ضریب اهمیت ۶۴ درصد بیشترین استلزام آموزشی برای ورود و یا تعلیم اقتصاد اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. روش تحقیق و فلسفه اقتصادی به ترتیب با ضرایب اهمیت ۴۳ و ۲۹ درصد از جایگاه مهمی در تبادل میان رشته‌ای با اقتصاد اسلامی برخوردار است و سایر مباحث با ضرایب اهمیتی که در نمودار شماره چهار مشخص شده است، متوسط نظرات پاسخ‌دهندگان را مشخص نموده است.



نمودار ۴. ضریب اهمیت سایر رشته‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی
 ماخذ: نتایج پرسشنامه از اساتید و محققان اقتصاد اسلامی در سال ۱۳۸۸

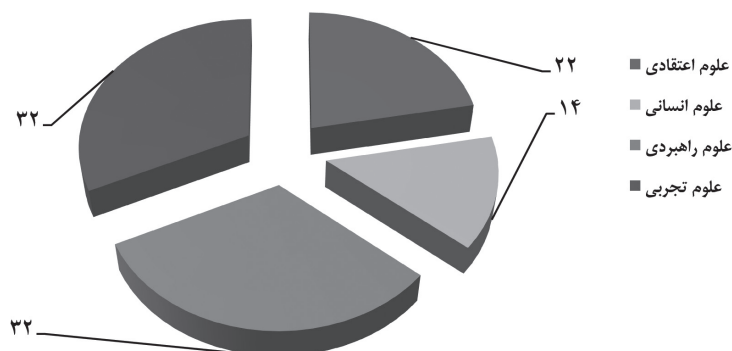
البته باید توجه داشت که توزیع میان رشته‌ای فوق در رابطه با اقتصاد اسلامی همزمان دروس و مباحث دیگری را نیز که به عنوان پیشنهادها ثانویه هر یک از این رشته‌ها تلقی می‌شود، در بر خواهد گرفت. برای مثال برای ورود به اقتصاد خرد مباحث ریاضیات و آمار و نیز برای سایر مباحث پیشنهادها مربوطه را باید در نظر گرفت.

اکنون می‌توان با توجه به کلیه مباحث اولیه و ثانویه میان رشته‌ای اقتصاد اسلامی و با فرض الگوی فوق به عنوان یک الگوی مرجع اسلامی، کلیه مباحث اولیه و ثانویه را در قالب محورهای چهار گانه مباحث اقتصاد اسلامی طبقه‌بندی نمود و توزیع محورهای اساسی را با آنچه در محافل آموزشی و پژوهشی غرب^۱ می‌گذرد مقایسه نمود.

1. American Economic Association, EconLit. Classification codes, Updated 2/2009



ابتدا کوشش نمودیم تا رشته‌های ترجیحی اعضا انجمن اقتصاد اسلامی را در قالب محورهای چهارگانه پیش گفته، مورد طبقه‌بندی قرار دهیم. نتایج پرسشنامه به صورت زیر طبق نمودار پنج استخراج گردید:



نمودار ۵. توزیع محورهای میان رشته‌ای در نگرش مدرسان و محققان اقتصاد اسلامی
 ماخذ: نتایج پرسشنامه از اساتید و محققان اقتصاد اسلامی در سال ۱۳۸۸



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۱۰

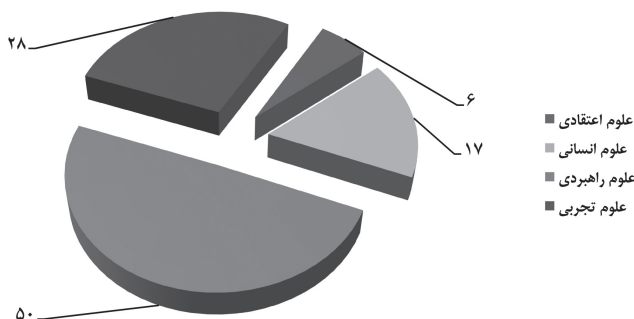
دوره دوم
 شماره ۳
 تابستان ۱۳۸۹

همان‌طور که مشاهده می‌شود محورهای علوم راهبردی و علوم تجربی بیشتر از موارد دیگر و با ضریب اهمیت ۳۲ درصد، مورد تأکید قرار گرفته، در حالی که علوم اعتقادی و علوم انسانی به ترتیب با ضریب اهمیت ۲۲ و ۱۴ درصد محاسبه شده است. این مسئله در حالی است که با مراجعه به طبقه‌بندی موضوعی انجمن اقتصادی آمریکا که بنظر می‌رسد مشهورترین طبقه‌بندی موضوعی مرتبط با علوم اقتصادی را انجام می‌دهد، توزیع محورهای چهارگانه به صورت نمودار شماره شش محاسبه گردید.

البته علوم اعتقادی در طبقه‌بندی مباحث اقتصادی در فهرست ارائه شده غربی مسلماً همان مطالب درسی که در اقتصاد اسلامی مطرح نظر است نیست، بلکه در محاسبه مربوط به این محور هرگونه مطالب مربوط به اصول موضوعه (اکسیوم‌های) پذیرفته شده و هنجارهای مکتبی در مباحث اقتصادی را در این محور منظور نموده‌ایم.

همانگونه که مشاهده می‌شود در توزیع محورهای میان رشته‌ای در مراکز علمی غربی بیشترین تأکید بر رشته‌های راهبردی اقتصادی با ضریب اهمیت بسیار بالا در حد پنجاه درصد برآورد

گردیده است و این در حالی است که تأکید بر محور علوم اعتقادی بسیار اندک و تنها در حد شش درصد محاسبه شده است. همچنین علوم تجربی و علوم انسانی در مراکز علمی غربی از موقیت نسبتاً متعادلی به ترتیب با ضرایب اهمیت ۲۸ و ۱۷ درصد برآورد گردیده است. نکته مهم در این بررسی هماهنگی اکثر دانشکده‌های اقتصاد داخلی از استانداردهای غربی است و به نظر می‌رسد این دانشکده‌ها بر اساس یک رویکرد آموزشی چندرشته‌ای موازی و نه میان‌رشته‌ای با فرآیند آموزشی اقتصاد سر و کار دارند.



نمودار ۶. توزیع محورهای میان‌رشته‌ای در طبقه‌بندی EconLit.

ماخذ: EconLit. Classification codes, Updated 2/2009

نتیجه‌گیری

در حال حاضر همان‌طور که در مقاله ذکر گردید اکثر دانشکده‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران بیشتر بر اساس درسنامه‌ها و استانداردهای آموزشی غربی عمل می‌نمایند. در عین حال رویکرد آموزشی در همه این دانشکده‌ها مبتنی بر چندرشته‌ای موازی است و به‌طور کلی محوریت اقتصاد اسلامی نه تنها مطرح نیست بلکه اکثراً حتی مبحث اقتصاد اسلامی را به‌عنوان یک رشته در کنار رشته‌های دیگر نپذیرفته‌اند. مشکل اصلی در این میان عدم وجود هماهنگی و پیگیری در رابطه با تنظیم رئوس مطالبی است که در یک یا دو درسنامه فراگیر و پویا با امکان رقابت علمی تحت عنوان اقتصاد اسلامی باید مطرح شود. در صورتی که در این راستا نهادهای علمی متخصصی با حمایت وزارت علوم عهده‌دار این وظیفه شوند، در این صورت اولین گام در رسیدن به یک فرآیند میان‌رشته‌ای در اقتصاد اسلامی برداشته شده است ولی باید توجه داشت که گام دوم و در واقع گام مهم‌تر این نهاد تخصصی، حرکت به سوی نظام آموزشی و پژوهشی میان‌رشته‌ای در اقتصاد اسلامی است.



اگرچه رسیدن به چنین مقصدی تا حدود زیادی مشکل به نظر می‌رسد اما در صورت توجه به فوایدی که این فرآیند آموزشی در بر خواهد داشت این امید وجود دارد که مسئولان آموزش عالی کشور این مسئله را در دستور کار خود قرار دهند. همان‌طور که گفته شد امروزه پیچیدگی روزافزون سیستم‌های اجتماعی و بین‌المللی بخش آموزشی و پژوهشی را وادار می‌سازد تا با حفظ محوریت اقتصاد اسلامی، نگرشی عالمانه نسبت به مسائل و روش‌های علمی مرتبط و متعدد دنیای پیرامون خود داشته باشد. علاوه بر این کارآیی اقتصادی اقتضا می‌نماید که همزمان با شناخت اقتصاد اسلامی، سیستم‌های دیگری چون معارف دینی، اجتماعی و حتی تجربی و نیز سیستم‌های اقتصادی شرقی و غربی را با نگاهی نقادانه مورد تأمل قرار داد، زیرا این مفاهیم امروزه چنان به هم پیوند خورده‌اند که رویکرد رشته‌ای مجزا و منزوی از آنها به نوعی اشتباه پایه‌ای و خطرناک و به بروز بدعت‌ها و توهمات کاملاً بی‌ریشه و آسیب‌زا در روند توسعه اقتصاد بومی دامن می‌زنند. نکته مهم دیگر هدفمندسازی معارف و علوم دینی است به‌طوری که بتواند سهمی معنی‌دار، در رابطه با اقتصاد اسلامی در اختیار دانشجو قرار دهد.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۱۲

دوره دوم
شماره ۳
تابستان ۱۳۸۹

منابع

- قران کریم.
- انصاری، م. (۱۲۸۱-۱۲۱۴)، مکاسب، مطبوعات دینی، ۱۳۶۶.
- پیغامی، ع. درآمدی بر طراحی برنامه‌های درسی با تأکید بر رویکردهای تلفیقی، پایگاه اطلاعاتی دانشگاه امام صادق(ع)، بی تا.
- حاجی یوسفی، ا.م. (۱۳۸۸) «میان‌رشتگی در علوم سیاسی در دانشگاه‌های کانادا: مفهوم و اجرا»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، ش ۲.
- حشمتی مولایی، ح. (۱۳۵۹)، نظریه‌ای بر اقتصاد اسلامی، انتشارات یاسر، مهر ۱۳۵۹.
- رولاند، اس. (۱۳۸۷) «میان‌رشتگی»، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، سیدمحسن علوی‌پور و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کلیات الخصال، تألیف جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (۳۸۲-۳۰۵ ه.ق.)، باب‌الاربعه، حدیث ۸۷، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، بی تا. (قال سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: وجدت علم الناس کلهم فی اربع، اولها ان تعرف ربک والثانی ان تعرف ما صنع بک والثالث ان تعرف ما اراد منک و الرابع ان تعرف ما یخرجک من دینک)
- American Economic Association, EconLit. Classification codes , *Updated 2/2009* .
- Drake,S.M.(1993), Planning integrated curriculum: the call to adventure, Alexandria,VA: Associaion for Supervision and Curriculum Development.
- EconLit. Subject Descriptors, American Economic Association, *Updated 2/2009*.
- Mann,susan.(2001), Interdisciplinary for the university of Ottawa, cited in Ref. No.4.
- Mohamed,A.H.,Ruzita,M.A.(2005).“Teaching Islamic Economics in Malaysian Universities: Lesson from Department of Economics.”, 6th International conference on Islamic Economics and Finance, Jakarta.
- Streeten, Paul, (2007), “what’s wrong with contemporary economics”, interdisciplinary science review, *Revista de Economía Institucional, Vol. 9, No. 16, 2007*.
- Youngblood, Michael J.(2004), An Interdisciplinary approach to teaching Economics: Microeconomics and Sociology, Submitted to The Journal of Economic Education on October 25th, 2004.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۱۳

زهیافت میان‌رشته‌ای
در آموزش و ...